

ظرفیت‌ها، بایسته‌ها و موانع تقریب در جنوب شرق کشور



سی‌امین کرسی از کرسی‌های نقد، نظریه‌پردازی و آزاداندیشی با حضور و ارائه مولوی اسحاق مدنی، نایب‌رئیس شورای عالی مجمع تقریب مذاهب اسلامی با موضوع «ظرفیت‌ها، بایسته‌ها و موانع تقریب در جنوب شرق کشور» در دوم بهمن‌ماه ۱۴۰۰ با حضور ریاست محترم و پژوهشگران ارجمند پژوهشگاه به‌صورت حضوری (با رعایت پروتکل‌های بهداشتی) و نیز با حضور مجازی فعالین و علاقه‌مندان بحث وحدت و تقریب برگزار گردید.

ارائه‌کننده محترم مولوی اسحاق مدنی ابتدا به مناسبت پیش رو بودن سالروز ولادت حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها تلفیقی از سه روایت از صحیح بخاری را ارائه نمودند و گفتند که ام‌المؤمنین عایشه نقل نموده که در آخرین ساعات حیات پیامبر همه بودند ولی چشم‌های مبارک ایشان دنبال کسی می‌گردد تا حضرت فاطمه وارد شدند معلوم شد که به دنبال ایشان بوده و مشی و رفتار حضرت فاطمه دقیقاً مثل رسول خدا بود «كَأَنَّ مَشِيَّتَهَا مَشْيُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» و وقتی وارد شد پیامبر ایشان را خواست و چیزی به‌عنوان سر و راز در گوش ایشان نجوا کرد و ایشان گریست و دوباره در گوش ایشان سر و رازی نجوا کرد و ایشان تبسم کرد. عایشه می‌گوید از وی پرسیدم سر را

بازگو نکرد؛ فَسَأَلَتْهَا عَمَّا قَالَتْ؛ فَقَالَتْ: مَا كُنْتُ لِأُفْشِيَ سِرَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. بعد از رحلت پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دوباره پرسیدم ایشان گفت در وهله اول ایشان فرمود من در همین مرضی وفات خواهم کرد که من گریستم و در وهله دوم فرمود تو اولین نفری هستی که از عترتم بعد از من به نزد من می آیی و آیا تو راضی نیستی که سرور زنان اهل بهشت هستی. پس من به همین دلیل خندیدم؛ فَقَالَ: «أَمَا تَرَضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، أَوْ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ» فَحَرَكْتُ لِذَلِكَ (صحیح بخاری ج ۴، صص ۲۰۳ و ۲۰۴).

ایشان در ادامه با بیان اینکه حضرت فاطمه سلام الله علیها تنها اولاد باقی پیامبر بود و این فرزند یگانه، دارای تقوا و عبادت و سجایای اخلاقی منحصر به فرد بود، با نقل حدیثی فرمودند که حضرت فاطمه سلام الله علیها از پیامبر خادمی خواست که در کار خانه و آسیاب کردن به وی کمک نماید و پیامبر بهتر از آن را به وی عطا فرمود که همان تسبیحات حضرت فاطمه سلام الله علیها است؛ أَنْ سَوَّاهُ فَاطِمَةَ عَلَيْهِمَ السَّلَامُ أَتَتْ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَشْكُو إِلَيْهِ مَا تَلَقَّى فِي يَدَيْهَا مِنَ الرَّحَى، ... فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَلَا أَدُلُّكُمْ مَا عَلَيَّ خَيْرٌ مِنْهَا سَأَلْتُمَا؟ إِذَا أَخَذْتُمَا مَضَاجِعَكُمْ فَسَبِّحَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَادْعِيَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَكَبِّرِيَا أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ، فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ خَادِمٍ» (صحیح بخاری، ج ۷، ص ۶۵). ایشان ادامه داد که همه اهل سنت بالاتفاق تسبیحات حضرت زهرا را بعد از نماز می خوانند بنده هم جز در موارد سفر و ... مرتب بعد از نماز این اذکار را با همین ترتیب به جا می آورم.

مولوی اسحاق مدنی در ادامه وارد موضوع اصلی شد و با تلاوت آیه إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ (انبیاء، ۹۲) اظهار داشتند که هَذِهِ در این آیه اشاره به مذاهب اسلامی نیست، بلکه اشاره به ادیان گذشته است، ایشان به استناد قیاس اولویت گفت وقتی همه ادیان یکی هستند چگونه ممکن است که مذاهب اسلامی که در کتاب و قبله و قیامت و حساب و کتاب و مسائل اساسی اسلام مشترک هستند و همه آنها را قبول دارند دو امت باشند؟!

ایشان ارائه کننده محترم با اشاره به آیه قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ - وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا (ال عمران، ۶۴) بیان داشت که شما اگر تاریخ اسلام را ببینید در زمان حضرت علی و یا دیگر خلفا مسجدها شیعه و سنی نداشتند و در زمان جنگ های صفین جمل یا کربلا دو نوع نماز نبود و مسلمانان با هم و به یک صورت نماز

می‌خواندند. در کتاب ما هم هست که نماز را پشت حضرت علی می‌خواندند غذا را جای دیگری می‌رفتند می‌خوردند چون چرب تر بود.

ایشان تصریح نمود که اهل سنت بالاتفاق حضرت علی را از خلفای راشدین می‌دانند راشدین یعنی هر کاری را که ایشان کرده‌اند به نهج پیامبر بوده است. در جنگ صفین حق با حضرت علی بوده و در جنگ جمل حق با حضرت علی بوده، همه اهل سنت این را قبول دارند که حق با علی بوده منتها اهل سنت حداکثر می‌گویند که طرف دیگر معذور بوده. همه اهل سنت بر این عقیده هستند که حضرت علی در روزی از دنیا رفته افضل من فی الارض بوده است.

در جنگ کربلا کسانی که آمدند امام حسین را شهید کنند پشت سر ایشان نماز خوانده‌اند مدت‌ها شیعه و سنی به معنای امروزی نبوده است.

نایب رئیس شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی ادامه دادند که یهودی‌های مدینه قبل از پیامبر از شام به مدینه آمده بودند و به دنبال سروری و جایگاه بودند لذا آمدند اوس و خرج را به جان هم انداختند اختلافی طولانی ایجاد شد و منجر به اختلاف و کشتار شد بعد که انصار به پیامبر گرویدند و پیامبر بین آنان صلح و آشتی ایجاد کرد

یهود همیشه در حال ایجاد فتنه بوده‌اند و هستند لذا قرآن مسیحیان را بر یهودیان ترجیح می‌دهد.

ایشان گفتند که جوانان اوس و خرج باهم نشسته بودند که یکی از شیطان‌های یهودی آمد و شعری را که قبلاً اینها علیه هم سروده بودند خواند تا اینها را به جان هم بیندازد و درگیر کند و در این زمان آیه مبارکه وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۗ وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ ۖ اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً ۗ فَاَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ ۚ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ اللَّهِ ۗ اِنَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ
بِرِغْمِ مَتْنِهِ ۗ اِخْوَانًا وَاَكُنْتُمْ اَعْلَاءَ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ ۗ فَانْقَذَكُمْ مِّنْهَا ۗ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ اٰيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ نازل شد .

ارائه‌کننده محترم جهالت را عامل اختلاف دانسته و تصریح نمودند که جنگ‌های خونین بین شیعه و سنی و تکفیر یکدیگر معلول جهالت طرفین است و هرچه جهالت بیشتر درگیری و اختلاف هم بیشتر خواهد بود. اسلام در دو طرف دوستان نادان زیادی داشته و دارد و اهانت و تهمت به مذهب دیگر را برد خود می‌دانند و در واقع تضعیف اسلام است.

یک مانع مهم دیگر عدم شناخت عمیق ما از اسلام است و اصلی و فرعی و اهم مهم در اسلام را درست نمی‌شناسیم. والا می‌دانستیم که تحقق حکومت دینی از برخی از مسائل، مهم‌تر است و نباید آنها را دستاویز عدم همراهی با نظام اسلامی و حمایت از آن کنیم.

ایشان در ادامه به بیان خاطره‌ای پرداختند که در لندن هم یک مناظره‌ای بین دیوبندیه و بریلویه انجام گرفت نماینده هر دو طرف همدیگر را تکفیر کردند و طرف‌داران هر دو گروه هم راضی بودند، اما توجه ندارند در واقع آنچه شکست خورده اسلام است، ایشان با نقل این خاطره خاطرنشان کردند که اختلاف گروه‌های اسلامی در واقع باخت و شکست اسلام است.

ایشان در بخش پایانی ارائه خود گفتند که اسلام و انقلاب با هم عجین هستند و ما از کسانی که دین ندارند انتظاری نداریم اما کسانی که دین دارند باید بدانند که اگر انقلاب اسلامی شکست بخورد تا سال‌ها صحبتی از اسلام و دین و حکومت اسلامی و قشر روحانیت نخواهد شد، در جاهای دیگر ممکن است حکومت دینی ایجاد شود، اما اینجا خیر، ایرانیان شریف و متدین هستند، ولی احساساتی هستند، خدا نکند شیرازه پاره شود و از کنترل خارج شود.

ایشان در پاسخ به سؤال یکی از پژوهشگران فرمودند که همه شرایط رهبری که در قانون اساسی آمده با شرایط خلیفه در نگاه اهل‌سنت هیچ فرقی ندارد، لذا اگر برخی مخالفت می‌کنند در چارچوب مذهب و فقه سیاسی ما نیست و چه بسا انتقاد می‌کنند تا محبوبیت اجتماعی کسب نمایند.

و در پاسخ به سؤال دیگر تصریح کردند که اهل‌سنت با وهابیت اختلافات زیادی دارند، اما در پذیرش صحاح سته و مقدس شمردن بزرگان اهل‌سنت و شیوه نمازخواندن و ... با آنان اشتراک دارند که این اشتراکات را با تفکر شیعی ندارند.

در پایان هم تعدادی از پژوهشگران محترم سؤالات خود را مطرح فرمودند و جناب مولوی مدنی به سؤالات آنان پاسخ‌های صمیمی و شفافیه ارائه نمودند.